

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۲۶ مارچ ۲۰۱۴

آن که مرد و بد بود، در کشور ما کی بود؟

بعد از استراحت روزانه، طبق معمول، ساعت چهار و نیم عصر سری به چند سایت انترنتی، از جمله صفحه انترنتی بی بی سی فارسی زدم.

خبر مرگ قسیم فهیم در صدر اخبار بی بی سی توجهم را جلب کرد. بعد از خواندن آن خبر، لباس هایم را پوشیده به منزل یکی از دوستانی رفتم که در نزدیکی خانه ما زندگی می کند و می شود از طریق دستگاه کوچکی که دارد برخی از کانال های تلویزیونی افغانی را گرفت.

تلویزیون را روشن نموده به جست و جوی کانالی شدم که بتواند در این مورد خبر بیشتری ارائه کند. از خبر اثری نبود، اما در تلویزیون های خورشید و طلوع نیوز میزگردی دائر بود که افرادی چند در اثر تقاضای مدیر میزگرد در مورد زندگی شخصی و سیاسی - اجتماعی، جهاد و کار، شخصیت و اخلاق، و بالاخره وطن دوستی و تأثیرات افکار و اعمال وی در ارتباط با زندگی سیاسی و آینده جمعیت - شورای نظار و مسائل افغانستان نظریات شان را ارائه می کردند.

اولین چیزی که در این دو تلویزیون و میزگرد آن ها توجه مرا جلب کرد، این نکته بود که هر دو تلویزیون به گونه هدفمند و هوشمندانه قصد آن را داشتند که افکار عامه را در جهتی سوق بدهند که جنبه های منفی کار ها و زندگی قسیم فهیم، هم در زندگی قبل از به اصطلاح جهاد وی، هم در ایامی که جهاد نامیده شده است و هم در روز های بعد از پیروزی احزاب به اصطلاح اسلامی بر رژیم کمونیستی داکتر نجیب، از انظار عامه پوشیده بماند. به زبان عریان تر تلویزیون های مزبور تلاش داشته اند که همه واقیعت ها در مورد انسانی، که نمی تواند به دلیل انسان بودنش سراسر خوب باشد، گفته نشود؛ به گفته دیگر، برخی سخنان گفته نشوند و در پرده نگهداشته بمانند. چرا که تمام افرادی که در میزگرد ساعت ۹ شب ۲۰۱۴/۳/۹، به وقت افغانستان، و میزگرد بعد از آن در این دو تلویزیون جمع شده بودند، اشخاصی بودند که از دوستان و همگان و همکاران و همقطاران و همپیمانان دولتی - حزبی و مردمان محل تولد وی بودند و غیر از تعریف و تمجید وی و قهرمان سازی و... چیزی برای گفتن نداشتند؛ بدون این که لحظه ای به این امر مسلم درنگ کنند که آیا امکان آن وجود دارد که انسانی ۵۶ سال بدون کم و کسر و نقص و اشتباه و خطا زندگی کند؛ آنهم کسی که عمری در خاد کار کرده است و عمری با سلاح و جنگ و بستن و کشتن سر و کار داشته است؛ انور جگدلک، برمک، یاسین یا یاسینی، داوود کلکانی، واقف حکیمی، اوریاخیل و دو یا سه نفر دیگری که نام های شان به خاطر نموده است؛ و سالنگی، قوماندان پولیس یا والی پروان، که تیلیفونی با وی صحبت شد و مدیر برنامه یکی از این

دو تلویزیون نظر وی را در مورد شخصیت قسیم فهیم جويا گرديد، کسانی بودند که از طرف دو تلویزیون یاد شده برای ارائه نظر در باب قسیم فهیم دعوت شده بودند. در حالی که مراجعه به افکار عمومی، برای کسب نظریات عامه در موردی، ایجاب آن را می کند که یک رسانه همگانی، یک دستگاه خبرپراگنی، به موافق و مخالف یک فرد یا یک نظر و مطلب، یک گروه یا یک حرکت و تنظیم و حزب و دولت مراجعه کند و نظریات همه، از هر حزب و مکتب و اعتقاد و باور را بدون کم و کاست و به شکل غیر جانب دارانه به مردم انتقال بدهد.

نوع برخورد خاص تلویزیون های خورشید و طلوع در مورد قسیم فهیم، متأسفانه شکل تبلیغات محض را داشت، که از انتظار به دور بود. اگرچه مخالفان متواها در چنین شرایط بنابر دلایلی که در زیر بیان می شود، اگر دعوت هم می شدند، نمی توانستند یا بهتر بگویم نمی خواستند آنچه را که می باید می گفتند، بگویند. این دلایل عبارت اند از:

۱- خصلت جامعه ما، بدبختانه، چنان است که کسی - به مصداق این سخن که "مردۀ بد و زنده خوب را کسی ندیده است" - پشت سر مرده، حتی اگر مرده در زمان حیاتش آدم خوبی هم نبوده باشد، حرف بدی نمی زند. می گویند: "معلمی از یکی از شاگردان خود سؤال کرد که سکندر چگونه انسانی بود؟" شاگرد بدون درنگ گفت: "معلم صاحب می دانم که سکندر چگونه انسانی بود، اما من نمی خواهم پشت سر مرده گپ بزنم. پدرم گفته است که این کار اخلاقاً خوب نیست."

اخلاق جامعه ما سوگمندانۀ چنین است؛ و مخالفان قسیم فهیم هم از این جامعه و این نوع افکار و اخلاق جدا و مستثنأ نیستند.

۲- ساختار نظام و وضع جامعه ما چنان است که کمتر کسی جرأت گفتن واقعیت ها را در مورد اشخاصی مانند ربانی و دار و دستۀ وی، به شمول قسیم فهیم، یا سیاف و مزاری و حکمتیار و دوستم و مجددی و غیره تفنگ سالاران غیر مسؤولی که از سالیان دراز چشمان شان را خون گرفته است، دارد.

قومندانان تقریباً همه احزاب اسلامی در جنگ های تنظیمی بعد از سقوط داکتر نجیب، آگاهانه و با قساوت تام و تمام دست به گشتار مردم و تخریب شهر ها زدند، به خصوص جنگ های خشونت بار و خونینی میان حزب وحدت مزاری و اتحاد اسلامی سیاف به حمایت جمعیت - شورای نظار. قسیم فهیم هم در این جنگ ها شامل بود. هزار ها انسان در این جنگ ها، بدون موجب، کشته شدند. ولی امروز، با موقف و نیروئی که قسیم فهیم دارد، گذشته از مقام دولتی اش، کسی می تواند در بارۀ وی چیزی غیر از تعریف بیان کند؟

۳- به تاسی از شیوۀ کار خبرگزاری های غربی، بسیاری از کار شناسان امور سیاسی کشور ما، به ویژه در چنین مواقعی که احساسات برخی از طرفداران قسیم فهیم تا حدود زیادی تخریش شده است - می کوشند با ادای احترام به قسیم فهیم، که به دلایل بیشمار و آشکاری مستحق هیچ گونه احترام نمی باشد، و با کاربرد زبان مورد پسند خبرنگاران که مملو از کلمات چند پهلو و نظریاتی که نتایج منفی نداشته باشد، گاهی هم با زیرکی دیپلمات های کار کشته، جهت اصلی افکار شان را پنهان کنند.

بنابراین تلویزیون های خورشید و طلوع نیوز، حتی برای تظاهر هم اگر می شد، باید چند نفر از کسانی را به این دو میز گرد دعوت می کردند که در زمرۀ مخالفان سیاسی یا فکری قسیم فهیم قرار می داشتند.

تلویزیون های یاد شده می توانستند، با این کار از یک طرف به اعتبار خویش لطمه وارد نکنند و از طرف دیگر افکار عمومی را در جهت درست و سودمند، اگر در میان مدعوین کسی پیدا می شد که واقعیت ها را به شکل کاملاً عریان و با جرأت، یا به تلویح بگویند، سوق دهند.

تولید رضایت کاذب، و مطلوب را نامطلوب و نامطلوب را مطلوب نشان دادن، از طریق تبلیغات یک جهته و شکل دهی ذهنیت ها به کمک رسانه های گروهی، به ویژه با استفاده از ترفندهای روانشناسانه، و مطیع قدرت و ثروت و سالاران حکومتگر بودن، به نظر شخص من، کار بایسته ای نیست که این دو تلویزیون بدان دست زدند.

گوینده ای که با مطرح کردن موضوع ثروتمندانی که ترجیح می دهند همراه فامیل های شان در خارج زندگی کنند، می خواست چنین معنی و تفکری را به ذهنیت ها متبادر کند که گویا قسیم فهیم، باوجود آن همه ثروت، به دلیل وطن پرست بودنش، وطن را ترک نکرد، بهتر بود می گفت که قسیم فهیم، این فرشته الهی و مسلمان پاک باز و "تاج العیاران"، این مجاهد فی سبیل الله، این همه ثروت را - که جناب گرداننده میزگرد هم بداشتن آن معترف هستند - از کجا و از کدام راه بدست آورده بود؟ و هم، برای ما یک عیار را در تاریخ افغانستان، به گونه ای مثال، نشان بدهند که در زندگی خود در فکر اندوختن مال بوده باشد. اندوختن ثروت و عیاری، این گپی کاملاً نوی است که از پیروان قسیم فهیم می شنویم.

شاید ما آنچه در باره عیاران خوانده ایم و از اخلاق عیاری شنیده ایم، همه نادرست بوده اند؛ هرچند پدران و پدر بزرگان ما تا هشتاد - نود سال پیش هم شاهد عینی زندگی عیاران در شهر کابل بوده اند و قصه های چشم دید خود را که از عیاران می کردند ما هنوز فراموش نکرده ایم. همینطور عیاران واقعی دوران حیات خویش را!

اگر تنها همین دو سؤال را گردانندگان دو میزگرد و مهمانان شان جواب بگویند، ما حاضر هستیم تمام گفته های همسنگران و همکاران و هموطنان و همفکران قسیم فهیم را در باره وی به سر چشم قبول کنیم. در غیر آن به قول اکبر گنجی "از جعبه مار همیشه مار بیرون می آید"؛ نه خرگوش، مگر این که ساحر و جادوگر باشیم!!

۲۰۱۴/۰۳/۰۹